

## بایسته‌ها و چالش‌های افشای دلایل؛ جلوهای از حقوق دفاعی متهم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

جواد صالحی\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۹)

### چکیده

افشای دلایل برای متهم یکی از مؤلفه‌های حقوق دفاعی وی است. عدالت کیفری حکم می‌کند که وضعیت متهم در دستگاه عدالت کیفری تا حدی ارتقاء یابد که او بتواند به دفاع از خود بپردازد. متهم پس از دستگیری از امکاناتی برخوردار نیست که دلایل تبرئه کننده اتهامات خود را جمع‌آوری و ارائه کند. در محاکمات کیفری بین‌المللی این وظیفه برعهده دادستان قرار گرفته است تا اینکه وی علاوه بر تعهدات دیگر نیز به جمع‌آوری و افشای دلایل به نفع متهم بپردازد. اگرچه اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه افشای دلایل به متهم واجد نوآوری‌هایی است، اما این افشاء در تعارض با حمایت از شهود و قربانیان، حفظ محرمانگی دلایل و اطاله دادرسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، افشای دلایل به مستهم، حمایت از شهود و قربانیان، حفظ محرمانگی دلایل، اطاله دادرسی.

## ۱- مقدمه

توسعه عدالت کیفری در جامعه بین الملل با تحقق دادرسی عادلانه ارتباط تنگاتنگی دارد. گستره وسیع حقوق متهم در محاکمات دیوان کیفری بین المللی (زین پس: دیوان یا دیوان کیفری)، از موضوعات نشأت گرفته از آموزه های حقوق بشری است. حق متهم در برخورداری از دادرسی عادلانه، یک هنجار بین المللی حقوق بشر است (صالحی و صمدی، ۱۳۸۷: ۱۲) که مورد اتفاق کلیه اسناد حقوق بشری است (کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۰۱). حق بر دادرسی عادلانه در اسناد بین المللی شامل؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup>، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۲</sup> و کنوانسیون های منطقه ای حقوق بشر<sup>۳</sup> تصریح شده است. محاکمه عادلانه، یک مفهوم کلی است که سیستم عدالت کیفری را از آغاز تحقیقات تا تبرئه یا محکومیت متهم متأثر می سازد (فضالی، ۱۳۸۷: ۷۸). رسیدگی قضایی به اتهامات در دادگاه صلاحیت دار، مستقل، بی طرف با تضمین و رعایت حقوق قانونی متهم در مراحل مختلف دادرسی حاکی از حاکمیت دادرسی عادلانه است.

متهم در مراحل مختلف دادرسی های کیفری بین المللی از حقوق دفاعی برخوردار است که رعایت آن ها به موجب قوانین برای دادستان و قضات آن لازم است.<sup>۴</sup> یکی از ابعاد حقوق دفاعی متهم، حق برخورداری وی از افشای دلایل است. حق برخورداری از افشاء دلایل، حقی است که متهم در پرتو آن می تواند اتهام وارده را از خود دور کند (صالحی و زیدآبادی، ۱۳۹۲: ۸۰۹). این حق در راستای تأمین مؤلفه برابری سلاح ها و ترافیعی بودن دادرسی است که نویدبخش محاکمه عادلانه و منصفانه است (آشوری، ۱۳۷۸: ۵۱). اصل برابری سلاح ها میان طرفین دعوا، یکی از عناصر اصلی دادرسی های کیفری عادلانه است. این اصل که نخستین بار توسط کمیسیون اروپایی حقوق بشر به کار گرفته شده است (ساقیان، ۱۳۸۵: ۷۹)، به این معنا است که هر یک از طرف های دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به گونه ای اساسی در وضعیت نامناسب تری قرار ندهد.

افشای دلایل به متهم در دادرسی های کیفری بین المللی نقش اساسی را ایفاء می کند. (May and Wierda, 2002: 69-73) حق برخورداری از «افشاء دلایل» در ماده ۶۷ اساسنامه رم (زین پس؛ اساسنامه) پیش بینی شده است.<sup>۵</sup> ماده ۶۷ اساسنامه، مدلی بر اساس ماده (۳) ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

۱. ر.ک. مواد ۱۰، (۳) ۱۱ و (۱) ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸).

۲. ر.ک. مواد (۲) ۹ و (۳) ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶).

۳. ر.ک. ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)؛ ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر کشورهای اسلامی (۱۹۹۰)؛ ماده (۳) ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حمایت از حقوق و آزادی های اساسی) (۱۹۵۰)؛ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر (۱۹۸۱) و ماده (۲) ۴۰ کنوانسیون اروپایی حقوق کودک (۱۹۸۹).

۴. ر.ک. ماده (۱) ۲۰ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و مواد (۲) ۶۴ و (۱) ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی.

۵. ماده ۶۷ اساسنامه مقرر داشته است که «... (۲) علاوه بر موارد دیگر مقرر در این اساسنامه، دادستان باید در اولین فرصت، مدارک دفاعی را که در اختیار و یا تحت کنترل خود دارد (مدارکی که دادستان معتقد است دلیل یا قرائن بی گناهی متهم است، یا مجرمیت وی را تخفیف می دهد یا بر اعتبار مستندات بازجویی تأثیر می گذارد) به متهم ارائه دهد. در صورت تردید

است (Schabas, 2011: 206). اعطای فرصت و امکانات لازم به متهم برای رفع اتهام از خود، حق اساسی متهم است که ناشی از الزامات حقوق دفاعی متهم است. در حالی که اکثر موارد نقض حقوق دفاعی متهم در رویکرد امنیت مدار نهادهای واکنش اجتماعی رخ می‌دهد و حقوق دفاعی متهم در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد (بابایی و افراسیابی، ۱۳۸۹: ۵۷)، لازم است که ابزارهای کافی و مناسبی در اختیار متهم قرار گیرد تا اینکه او بتواند در اسرع وقت دلایل بی‌گناهی خود را تدارک ببیند و ارائه نماید.

دادستان در دیوان کیفری موظف است که به صورت توأمان به جمع‌آوری و افشاء دلایل لّه و علیه متهم بپردازد. بخشی از این دلایل که مستند کیفرخواست علیه متهم است، به طور منطقی در این چارچوب قرار می‌گیرد. در ماده (۳) ۶۱ اساسنامه و قاعده (۳) ۱۲۱ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی (زین پس؛ قواعد آیین دادرسی) تاکید شده است تا دادستان اتهامات را به همراه لیست دلایل مرتبط با آن تشریح کند. (Ambos & Miller, 2007: 343) لیکن بخش دیگر که مربوط به دلایل تبرئه کننده، تخفیف دهنده در مجرمیت یا بی‌اثرکننده دیگر دلایل مستند اتهام می‌باشد، از نوآوری‌های اساسنامه است. دادستان مکلف است به موجب ماده (۲) ۶۷ اساسنامه کلیه دلایل در اختیار یا کنترل خود که از منظر وی مبین بی‌گناهی متهم یا تخفیف در مجرمیت متهم یا تاثیرگذار بر اعتبار دیگر دلایل وی می‌باشد را نیز به متهم افشاء کند.

افشای دلیل بین طرفین صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup> گزینش دلایل برای ارائه به قاضی پرونده یا افشاء آنها به طرف مقابل در مرحله تأیید اتهام و شعبه مقدماتی برعهده هر یک از طرفین دعوا است. (Schabas, 2008A: 720) نحوه انتخاب دلایل برای استناد در جلسه دادرسی از موضوعات شخصی است و ذینفع با توجه به تاثیرگذاری دلیل در پیروزی به گزینش و ارائه دلایل می‌پردازد. (Schabas, 2008B: 23) دادستان یکی از استثنائات این وضعیت است. او موظف است که در اولین فرصت ممکن به افشاء دلایل تبرئه کننده به متهم بپردازد. (Arsajani & Reisman, 2005: 390) اما در این مسیر چالش‌های جدی وجود دارد که مانع دادستان در انجام این تکلیف است. در این نوشتار تلاش می‌شود حقوق متهم با تکیه بر مقررات اساسنامه و قواعد آیین دادرسی دیوان از دلایل تبرئه کننده در اختیار دادستان تشریح و تحلیل شود و چالش‌های آن شامل؛ حمایت از شهود و قربانیان، حفظ محرمانگی و اطاله دادرسی استنباط و استخراج گردد.

## ۲- افشای دلایل؛ جلوه‌ای از حقوق دفاعی متهم

یکی از حقوق اساسی متهم در اساسنامه دیوان، حق برخورداری از امکاناتی است که او را برای دفاع از خود آماده می‌کند. برخورداری از این حق، این امکان را به متهم یا وکیل مدافع وی می‌دهد که

در اعمال این پارگراف، تصمیم‌گیری با دیوان خواهد بود.»

1. Prosecutor v. Lubanga, Decision on the Final System of Disclosure and the Establishment of a Timetable, No. ICC-01/04-1/06-102, 15 May 2006, Available at: [http://www.iccklamberg.com/Caselaw/DRC/Dyilo/PTCI/ICC-01-04-01-06-407\\_English.pdf](http://www.iccklamberg.com/Caselaw/DRC/Dyilo/PTCI/ICC-01-04-01-06-407_English.pdf), accessed on 19 July 2014, para. 17, [Hereinafter; Final System of Disclosure Decision].

به مدارک، اسناد و دلایل مستندی دسترسی داشته باشد که برای دفاع از اتهامات به آنها احتیاج است. (Nowak, 1993: 256) مقررات اساسنامه و قواعد آیین دادرسی نسبت به الزام دادستان به افشای دلایل تصریح دارند. دادستان موظف است بر اساس ماده (۲) ۶۷ اساسنامه، «به محض فراهم شدن امکانات، مستنداتی را که در اختیار یا کنترل خود دارد و معتقد است که مبین بی گناهی متهم است یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد یا بر اعتبار مستندات بازجویی شده تاثیرگذار است را در اختیار متهم قرار دهد». علاوه بر این، دادستان در کنار افشای اظهارات شهود باید به متهم اجازه دهد که به بررسی هر کتاب، سند، عکس و سایر مواد قابل لمسی بپردازد که در تصرف یا کنترل دادستان است یا از متهم بدست آمده یا متعلق به متهم است.

افشای مستندات تبرئه کننده به متهم از اصول دادرسی عادلانه است.<sup>۱</sup> این امر از مسئولیت‌های سنگین دادستان است که «... به اندازه مسئولیت دادستان در تعقیب جرم دارای اهمیت است»،<sup>۲</sup> تا جایی که حتی تاکید شده است که «... اهمیت وظیفه دادستان بر افشاء دلایل تبرئه کننده به اندازه وظیفه وزیر دادگستری در گسترش عدالت است».<sup>۳</sup> نقش دیوان در ملزم کردن دادستان به افشاء، در راستای تحقق دادرسی عادلانه است تا طی آن حقوق متهم در برخورداری از فرصت کافی، امکان دفاع از خود و جرح شهود و پرسش از آنان محقق شود.<sup>۴</sup> دادستان مکلف است در اجرای این تعهد با حسن نیت اقدام نماید، و گرنه هر نوع ادعای نقض این تعهد با دلایل محمول بر صحت از سوی متهم اثبات می‌شود.<sup>۵</sup>

دادستان در جلسه تأیید اتهامات و مرحله شعبه مقدماتی ملزم به افشاء دلایل است. ماده (۳) ۶۱ اساسنامه، به افشای دلایل در جلسه تأیید اتهامات می‌پردازد. به موجب این ماده علاوه بر اینکه دادستان متعهد است کلیه دلایلی را که قصد استناد به آنها در جلسه تأیید کیفرخواست دارد را به متهم افشا نماید، شعبه مقدماتی نیز وظیفه دارد که مراقبت نماید که دادستان این تعهد خود را انجام دهد. با شروع تحقیقات و پس از تأیید حکم جلب یا احضار متهم توسط شعبه مقدماتی، دستورات قضایی که یا علیه

1. Prosecutor v. Krsti , Judgement, Case No. IT-98-33-A, 19 April 2004, Available at <http://www.icty.org/x/cases/krstic/acjug/en/krs-aj040419e.pdf>. accessed on 13 July 2013 para. 180.

2. Prosecutor v. Bagosora et al., Decision on Interlocutory Appeals of Decision on Witness Protection Orders, Case No. ICTR-98-41-AR73(B), 6 October 2005, Available at: <http://www2.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB452/docs/doc23.pdf>. accessed on 10 Feb. 2013, para. 44.

3. Prosecutor v. Blaškić , Judgement, Case No. IT-95-14-A, 29 July 2004, Available at: [www.icty.org/case/blaskic/4](http://www.icty.org/case/blaskic/4). accessed on 12 August 2013, para. 264; and also; Prosecutor v. Kordić and Kerkez, Decision on Motions to Extend Time for Filing Appellant's Briefs, Case No. IT-95-14/2-A, 11 May 2001, para. 14.

4. Prosecutor v. Norman et al., Decision on Disclosure of Witness Statements and Cross-Examination, Case No. IT-98-33-A, 16 July 2004, Available at: <http://www.commonlii.org/sl/cases/SCSL/2004/115.html>. accessed on 2 August 2013, para. 7; and also; Prosecutor v. Furundžija, Scheduling Order, Case No. IT-95-17/1-PT, 29 April 1998, Available at: <http://www.icty.org/case/furundzija/4>. accessed on 22 August 2013.

5. Prosecutor v. Brima et al., Decision on Joint Defence Motion on Disclosure of all Original Witness Statements, Interview Notes and Investigators' Notes Pursuant to Rules 66 and/ or 68, Case No. SCSL-04-16-T, 4 May 2005, Available at: [http://www1.umn.edu/humanrts/instree/SCSL/SCSL-04-16\\_Files/SCSL-04-16-T-483.htm](http://www1.umn.edu/humanrts/instree/SCSL/SCSL-04-16_Files/SCSL-04-16-T-483.htm). accessed on 29 May 2013. para. 16.

متهم به اجراء گذاشته می‌شود. در سیستم دیوان کیفری جلسه تأیید اتهام با حضور متهم (Marchesiello, 2002: 1244) یا در شرایط مذکور در ماده (۲) ۶۱ اساسنامه حداقل با حضور وکیل مدافع وی برگزار می‌شود. (Calvo-Goller, 2006: 170) افشاء دلایل ارائه شده توسط دادستان برای کسب مجوز جلب یا احضار متهم الزاماً باید قبل از شروع جلسه در شعبه مقدماتی صورت گیرد تا اینکه متهم زمان و امکانات لازم را برای آمادگی در قبال آنها در اختیار داشته باشد. (Miraglia, 2008: 489) با توجه به مقتضیات افشاء دلایل در جلسه تأیید اتهام متوجه می‌شویم که بر اساس قاعده (۳) ۱۲۱ آیین دادرسی، دادستان مکلف است لیست دلایلی که او قصد استناد به آنها را در توجیه کیفرخواست دارد، حداقل ۳۰ روز قبل از شروع جلسه به متهم ارائه کند. بر اساس قاعده (۵) ۱۲۱ آیین دادرسی در صورتی که دادستان قصد ارائه ادله جدیدی را در جلسه مقدماتی داشته باشد، نیز باید حداقل ۱۵ روز قبل از تاریخ جلسه، فهرستی از این مدارک را به شعبه مقدماتی و متهم ارائه کند.<sup>۱</sup> پشت سر گذاشتن این مراحل مطابق مفاد اساسنامه از هر حیث الزامی است، تا حدی که هر نوع ایراد در آن باعث خروج آن دلیل از دستور کار دیوان در جلسه تأیید اتهام می‌شود. قاعده (۷) ۱۲۱ آیین دادرسی به صراحت اعلام کرده است که «شعبه مقدماتی به اتهامات و مدارک ارائه شده پس از انقضای مهلت مقرر یا مهلت تمدید شده، ترتیب اثر نخواهد داد».

در عین حال الزامات قاعده ۱۲۱ آیین دادرسی ممکن است به تشخیص قضات با تأخیر مواجه شود. چراکه دادستان یا متهم می‌توانند به موجب قاعده (۶) ۱۲۱ آیین دادرسی «از شعبه مقدماتی تعویق تاریخ جلسه بررسی اتهامات را درخواست کنند» یا اینکه شعبه مقدماتی راساً تصمیم به تعویق جلسه مقدماتی بگیرد. ولی این به آن معنا نیست که قضات مکلف به مراعات تمایلات طرفین دعوا در زمان ارائه دلایل به شعبه مقدماتی می‌باشند. در هر حال تأخیر در الزامات قاعده ۱۲۱ آیین دادرسی از استثنائات می‌باشد. این وظیفه مربوط به شعبه مقدماتی است و ممکن است این وظیفه مغفول مانده در موارد استثنائی با اجازه ذیل ماده (۱۱) ۶۱ اساسنامه توسط شعبه محاکمه صورت گیرد. ذیل ماده (۱۱) ۶۱ اساسنامه قید کرده است شعبه محاکمه مسئول انجام مراحل بعدی دادرسی بوده و «می‌تواند هر یک از وظایف شعبه مقدماتی را انجام دهد». شعبه محاکمه به موجب ماده (c) (۳) ۶۴ اساسنامه باید قبل از شروع محاکمه مراقبت نماید که افشاء اسناد یا اطلاعات ارائه نشده، در مهلت مناسبی قبل از محاکمه صورت گیرد تا متهم امکان آمادگی کافی برای محاکمه را داشته باشد.

با این همه ماهیت کار دیوان، نظارت مؤثر بر اطاعت پذیری دادستان در رابطه با تعهداتش بر افشاء دلایل نیست. قضات دیوان نمی‌توانند از دلایل موجود احتمالی در دادرسی دیوان مطلع شوند. چراکه توانایی دادرسی دیوان به جمع‌آوری دلیل به خاطر عدم همکاری دولت‌ها و عدم تأمین هزینه‌های لازم در رابطه با تحقیقات فوق‌العاده محدود است. (Turner, 2008: 556) ضمن اینکه قضات بیشتر به فکر این مساله هستند که چگونه متهم را به میز محاکمه بکشانند تا اینکه به رعایت حقوق شکلی او توجه

۱. متهم نیز به موجب قاعده (۶) ۱۲۱ آیین دادرسی باید ۱۵ روز قبل از شروع جلسه دلائل خود را به شعبه مقدماتی تسلیم کند تا لیست این دلائل از طریق شعبه مقدماتی به دادستان انتقال داده شود.

کنند. (Robinson, 2008: 930) از یک طرف دادستان در دیوان نمی‌تواند تفسیر محدودتری از تعهدات خویش به افشاء را ارائه کند، اگرچه ممکن است دایره شمول دلالتی که منجر به بی‌گناهی متهم یا تخفیف در مجرمیت او یا تأثیرگذار بر اعتبار دلایل دادستان می‌شود را تا حد امکان محدود سازد و بسیاری از این دلایل را به متهم افشاء نکنند. از طرف دیگر، تعهد دادستان به افشاء دلیل در صورت ضرورت محرمانه نگه داشتن اطلاعات خاص منتفی است. (Weissbrodt, Pekinn and Wilson, 2006: 43) اولین فرضیه این وضعیت این است که افشاء دلایل ممکن است امنیت شهود و قربانیان یا پیشرفت تحقیقات را با خطر مواجه سازد. (Leigh, 1997: 80) زمانی که لازم است مؤثر بودن تحقیقات حفظ شود، ماده ۸۱ اساسنامه محدودیت‌هایی را بر افشاء دلیل قائل می‌شود که پس از تصمیم دیوان در جلسه یک جانبه به اجراء گذاشته می‌شود. لازم است که محدودیت‌های دادستان در حمایت از شهود و قربانیان و حفظ محرمانگی دلایل مدنظر قضات دیوان قرار گیرد، در عین حال که این وضعیت نباید منجر به اطاله دادرسی شود.

### ۳- افشای دلایل در تعارض با حمایت از شهود و قربانیان

بهترین راه حمایت از شهود، سری بودن تحقیق و عدم افشاء هویت آنها است (والین، ۱۳۸۵: ۴۲). افشاء دلایل ممکن است خطراتی را متوجه امنیت شهود یا خانواده آنها سازد. لذا افشاء هویت شهود در مرحله مقدماتی موضوع برنامه‌های «حمایت از امنیت قربانیان و شهود» قرار می‌گیرد. دیوان بر اساس ماده ۶۸(۴) اساسنامه با واحد حمایت از شهود و قربانیان به مشورت می‌پردازد، به تقاضاهای هر یک از طرفین توجه می‌کند و کلیه اطلاعاتی را که قضات به آن نیاز دارند قبل از هر نوع تصمیم‌گیری در رابطه با ماهیت اقدامات حمایتی از شهود و قربانیان مدنظر قرار می‌دهد. این اقدامات حمایتی ممکن است شامل؛ استفاده از حروف اختصاری برای اسامی شهود در احکام قابل انتشار، تغییر صدا و چهره ظاهری شهود در زمان اداء شهادت، دادرسی غیرعلنی (فقیه محمدی، ۱۳۹۰: ۹۹ به بعد)، گمنامی شهود (قواعد ۸۷(۳) و ۸۸ آیین دادرسی) و اداء شهادت با ابزار ضبط صوت یا تصویربرداری (ماده ۶۹(۲) اساسنامه) باشند.

ماده ۶۸ اساسنامه از قضات و دادستان می‌خواهد که اقدامات حمایتی موثری را در راستای حمایت از امنیت قربانیان و شهود به عمل آورند، از جمله اینکه؛ جلسات دادگاه را به طور غیرعلنی برگزار نمایند تا اینکه گمنام بودن آنها در طول دادرسی حفظ شود.<sup>۱</sup> در عین حال که قضات دیوان کیفری دارای مسئولیت و صلاحدید در تعیین ماهیت اقدامات حمایتی ضروری و مناسب هستند (رضوی فرد، فقیه محمدی، ۱۳۹۰ الف: ۲۰۵)، دادستان نیز می‌تواند اقدامات لازم برای دفاع از امنیت قربانیان و شهود را در زمان افشاء دلایل انجام دهد. برخی از دلایل در اختیار دادستان واجد نام، هویت و دیگر مشخصات مخبرین، شهود دادستان یا قربانیان متهم است که می‌تواند امنیت و سلامتی آنها را با خطر

۱. ر.ک. مواد (۵)(۲)(۱)۶۸ و (۲)۶۹ اساسنامه و قاعده ۸۷ آیین دادرسی.

مواجه کند. از این رو دادستان پروسه‌ای را قبل از شروع محاکمه به اجرا می‌گذارد و از افشای دلایل یا اطلاعات به طور کامل خودداری و یا به ارائه خلاصه‌ای از آنها اکتفاء می‌کند.<sup>۱</sup>

گمنامی کلیه قربانیان در جلسات دادرسی اولین پرونده پیش روی دیوان کیفری حفظ شد. دادستان بیش از ۵۰ درصد مدارک مستند را تحت شرایط قراردادهای محرمانه به دست آورده بود.<sup>۲</sup> افشای دلایل ممکن بود افشای هویت شهود را نیز دربرداشته باشد. از این رو دلایل قابل افشای نبودند. متهم به این وضعیت اعتراض داشت<sup>۳</sup> و این نحوه عملکرد دادستان را در تعارض با حقوق خودش در برخورداری از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه می‌دانست. شعبه مقدماتی نیز با استدلال متهم موافق بود. از این رو شعبه مقدماتی برای اطمینان از رعایت مؤلفه‌های دادرسی در حق متهم اعلام کرد که متهم باید ۳ ماه قبل از شروع جلسه محاکمه از هویت واقعی شهود مطلع شود.<sup>۴</sup> از آن جایی که دادستان در تأمین امنیت شهود با خطرات جدی در منطقه ایتوری (محل وقوع جرم) مواجه بود، به افشای هویت شهود نپرداخت. دیوان نیز مجبور شد که این مهلت را چندین مرتبه تمدید کند<sup>۵</sup> و به تبع آن برای مدت طولانی آغاز جلسه تأیید اتهام را به عقب بیاورد.

استدلال دیوان در مواجهه با ادعای دادستان بر تکلیف در حمایت از شهود این بود که هر اقدام حمایتی تأثیرگذار بر حق متهم در برخورداری از اطلاعات و تدارک برای دفاع از خویش توسط شعبه رسیدگی کننده صورت گیرد.<sup>۶</sup> قضات معتقد بودند که اگر افشای دلایل برای امنیت شهود مخاطره‌آمیز باشد، شعبه رسیدگی کننده مقام صالح برای دخل و تصرف در محتویات دلایل است، مشروط بر اینکه:

(۱) بر بی طرفی تحقیقات دادستان مطابق شرایط قاعده ۸۱(۲) آیین دادرسی؛ یا

(۲) بر خصوصیت محرمانگی اطلاعات مطابق شرایط ماده ۵۴ اساسنامه و قاعده ۸۱(۴) آیین دادرسی و یا؛

۱. ر.ک. قواعد (۶)(۳) ۸۱ و ۸۲ آیین دادرسی.

2. Prosecutor v. Lubanga, Decision Regarding the Timing and Manner of Disclosure and the Date of Trial, Case No. ICC-01/04-1/06-1019, 9 November 2007, Available at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc511249.PDF>, accessed on 14 June 2014. (Hereinafter; Timing and Manner of Disclosure Decision), para. 6.

3. Prosecutor v. Lubanga, Hearing Transcript, Case No. ICC-01/04-1/06-T-75, 13 February, 2008, Available at: [http://icccpi.int/en\\_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200104/related%20cases/icc%200104%200106/transcripts/trial%20chamber%20i/Pages/icc%2001%2004%2001%2006%20t%2075%20eng%20et%20wt%2013%2002%202008%201%2049%20nb%20t.aspx](http://icccpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200104/related%20cases/icc%200104%200106/transcripts/trial%20chamber%20i/Pages/icc%2001%2004%2001%2006%20t%2075%20eng%20et%20wt%2013%2002%202008%201%2049%20nb%20t.aspx). accessed on 29 July 2014, p. 19.

4. Timing and Manner of Disclosure Decision, paras. 21, 23.

5. Prosecutor v. Lubanga, Prosecution Submission of Information on the 29 February 2008 Disclosure of Incriminatory Evidence and Request for Protection, Case No. ICC-01/04-1/06-1212, 7 March 2008, Available at: [http://www1.umn.edu/humanrts/instree/ICC/Stay\\_the\\_Proceedings.html](http://www1.umn.edu/humanrts/instree/ICC/Stay_the_Proceedings.html). accessed on 17 June 2014, p. 14.

6. Prosecutor v. Lubanga, Decision Establishing General Principles Governing Applications to Restrict Disclosure pursuant to Rule 81(2) and (4) of the Statute, Case No. ICC-01/04-1/06-108, 19 May 2006, Available at: [www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc192159.PDF](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc192159.PDF). accessed on 23 July 2014.

۳) بر امنیت شهود، قربانیان یا اعضاء خانواده آن‌ها تأثیر منفی نگذارد.<sup>۱</sup>  
 البته دخل و تصرف در دلایل قابل افشاء در صورتی انجام می‌شود که:  
 ۱) دخل و تصرف صورت گرفته برای حذف یا کاستن خطرات کافی باشد؛  
 ۲) هیچ هزینه کم خطرتری برای توسل به همان اهداف در این مرحله وجود نداشته باشد؛  
 ۳) دخل و تصرف صورت گرفته به حقوق متهم یا بر بی طرفی دادرسی تأثیر منفی نگذارد.<sup>۲</sup>

این شرایط نشان داد که عدم افشاء اظهارات و مستندات شهود به موجب قاعده (۴) ۸۱ آیین دادرسی تنها در موارد استثنایی مجاز است. در حالی که این استثناء در پرونده لوبانگو تبدیل به قاعده شده بود و دادستان بدون هیچ محدودیتی از افشاء دلایل تیره کننده به متهم و حتی به دیوان خودداری می‌کرد. در حالی که دیگر آراء شعبه مقدماتی نشان می‌داد که دخل و تصرف صرفاً باید در اطلاعات هویتی شهود و خانواده آنها و هر نوع اطلاعات دیگر در رابطه با نام و محل زندگی اشخاص مورد حمایت صورت گیرد. شهودی که نام آنها در لیست شهود دادستان نیامده است، مشمول بندهای ۲ و ۴ قاعده ۸۱ آیین دادرسی قرار نمی‌گیرند، مگر این که ارزیابی دقیقی در زمینه امنیت شخص خاصی با توجه به شرایط پرونده وجود داشته باشد که ضرورت عدم افشاء هویت وی را توجیه کند.<sup>۳</sup> ماده (۴) ۸۱ قانون باید هماهنگ با سایر مقررات اساسنامه و قوانین خصوصاً مواد (۳) ۲۱، (۳) ۵۳، (۶) ۴۳ و (۴) ۶۸ اساسنامه و قواعد (a) (۲) ۱۷ و (۱) ۸۷ آیین دادرسی تفسیر شود که به موجب این مواد انتظار می‌رود از آن دسته اشخاص در معرض خطر در رابطه با به اجراء گذاشتن تعهدات دیوان حمایت شود. دخل و تصرف در اطلاعات هویتی شاهد در صورتی تحت شرایط قاعده (۲) ۸۱ آیین دادرسی قرار می‌گیرد که دادستان بتواند ثابت کند که این اشخاص تحت شرایط قاعده (۲) ۸۱ آیین دادرسی از منابع اطلاعاتی دادستان هستند و دخل و تصرف در اطلاعات هویتی آنها برای اطمینان از محرمانه ماندن مشخصات آنها ضروری است یا اینکه افشاء هویت واقعی منابع اطلاعاتی دادستان ممکن است بر تحقیقات در حال اجرای دادستان تأثیر بگذارد.<sup>۴</sup> با این همه دادستان در این پرونده خود را از این محدودیت‌ها و تکالیف

1. Prosecutor v. Katanga, First Decision on the Prosecution Request for Authorisation to Redact Witness Statements, Case No. ICC-01/04-01/07-90, 7 December 2007, Available at: <http://www.iclklamberg.com/Caselaw/DRC/Katanga/Appeals/ICC-01-04-01-07-475-ENG.pdf>, accessed on 11 July 2014, (Hereinafter; First Decision on Redactions), p. 4.

2. Prosecutor v. Katanga, First Decision on the Prosecution Request for Authorisation to Redact Witness Statements, Case No. ICC-01/04-01/07-90, 7 December 2007, Available at: <http://www.iclklamberg.com/Caselaw/DRC/Katanga/Appeals/ICC-01-04-01-07-475-ENG.pdf>, accessed on 11 July 2014, (Hereinafter; First Decision on Redactions), p. 5.

3. Prosecutor v. Katanga, Judgment on the appeal of the Prosecutor against the decision of Pre-Trial Chamber I entitled "First Decision on the Prosecution Request for Authorisation to Redact Witness Statements", Case No. ICC-04/01-01/07-475, 13 May 2008, Available at: <http://www.iclklamberg.com/Caselaw/DRC/Katanga/Appeals/ICC-01-04-01-07-475-ENG.pdf>, accessed on 25 July 2014, paras. 54–56; and also Prosecutor v. Katanga, Judgment on the appeal of Mr. Katanga against the decision of Pre-Trial Chamber I entitled "First Decision on the Prosecution Request for Authorisation to Redact Witness Statements", Case No. ICC-04/01-01/07-476, 13 May 2008, Available at:

[http://www.worldcourts.com/icc/eng/decisions/2008.05.13\\_Prosecutor\\_v\\_Katanga3.pdf](http://www.worldcourts.com/icc/eng/decisions/2008.05.13_Prosecutor_v_Katanga3.pdf), accessed on 24 July 2014, paras. 49–52

4. First Decision on Redactions, para. 54–56



فارغ می‌دانست. او به طور کامل به افشاء هويت شهود و دلایل تبرئه کننده نمی‌پرداخت تا اینکه مبادا امنیت آنها تحت الشعاع این افشاء قرار گیرد.

#### ۴- افشای دلایل در تعارض با حفظ محرمانگی

تفسیر لفظی اساسنامه و قواعد آیین دادرسی دیوان کیفری در زمینه اطلاعات محرمانه و افشاء آن به متهم یا وکیل مدافع وی با ابهامات زیادی مواجه است. این مقررات مشخص نمی‌کنند که کدام یک از دو موضوع؛ محرمانگی یا افشاء دلایل باید برای دادستان اهمیت بیشتری داشته باشد. مفاد مواد (e)(۳)۵۴ و (۲)۶۷ اساسنامه در این زمینه با هم در تعارض هستند. (Swoboda, 2008: 449) دلایل به اتکاء قراردادهایی محرمانه جمع‌آوری شده‌اند که دادستان به موجب ماده (e)(۳)۵۴ اساسنامه برای تکمیل تحقیقات از آنها استفاده کرده است. دادستان ادعا کرده است انجام تحقیقات کیفری در طول درگیری‌های در حال وقوع، برای امنیت قربانیان و شهود وی خطرناک است. دادستان قراردادهای محرمانه را به منظور تأمین امنیت این دسته از افراد پذیرفته است. علاوه بر این قاعده (۱)۸۲ آیین دادرسی بر حمایت از محرمانگی اطلاعات کسب شده به موجب ماده ۵۴ اساسنامه تأکید دارد.<sup>۱</sup> به موجب این قراردادهای، دلایل محرمانه در اختیار دادستان قرار گرفتند. دادستان حق نداشت دلایل محرمانه را تا قبل از کسب رضایت مخبرین به شخص یا مرجعی افشاء کند. این وضعیت با معیارهای محاکمه عادلانه در تعارض بود. مؤلفه‌های دادرسی عادلانه این فرایند محرمانه را بر نمی‌تافت. البته این وضعیت به آن معنا نبود که متهم در غیر از شرایط قراردادهای محرمانه مستحق دریافت کلیه اطلاعات از دادستان است.<sup>۲</sup> حتی اگر دادستان در تحقیقات آتی نتواند به اطلاعات محرمانه استناد کند، متهم باز هم مستحق دریافت کلیه اطلاعات در اختیار دادستان نیست.

ماده (۲)۶۷ اساسنامه به لزوم افشاء دلایل به وکیل مدافع اشاره می‌کند. دادستان باید مدارکی که معتقد است دلیل یا قرینه بی‌گناهی متهم است، یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد و یا بر اعتبار مستندات بازجویی تأثیر می‌گذارد را به متهم یا وکیل مدافع وی افشاء کند. در صورت تردید در اعمال این تکلیف، تصمیم‌گیری با شعبه رسیدگی کننده خواهد بود. قاعده ۸۳ آیین دادرسی تأکید می‌کند که دادستان حق دارد درخواست جلسه دادرسی بدون حضور متهم را برای اتخاذ تصمیمی به موجب ماده (۲)۶۷ اساسنامه از دیوان داشته باشد. یعنی در پرونده‌ای که در لزوم افشاء دلایل تبرئه کننده آن تردید وجود داشته باشد، دادستان می‌تواند قبل از تصمیم‌گیری دیوان به موجب ماده (۲)۶۷ اساسنامه که دلایل از کدام نوع تبرئه کننده، تخفیف‌دهنده یا بی‌اعتبارکننده است، درخواست تشکیل این جلسه را

۱. قاعده (۱)۸۲ آیین دادرسی تأکید می‌کند که «در صورتی که اشیاء یا اطلاعاتی که (بر اساس ماده (e)(۳)۵۴ اساسنامه) تحت حمایت است، در تصرف یا کنترل دادستان باشد، متعاقباً دادستان نمی‌تواند بدون رضایت قبلی مخبرین آنها و پیش از افشای مؤثر آنها نزد متهم، این اشیاء یا اطلاعات را در زمره مدارک خود وارد کند».

2. Prosecutor v. Lubanga, Decision on the and the Establishment of a timetable, Case No. ICC-01/04-01/06-102 Annex I, 15 May 2006, Available at [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/asp](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/asp). accessed on 13 July 2013, para. 12.

داشته باشد. لیکن یکی از اشکالات عمده در این زمینه چگونگی تطبیق مفاد ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه با ماده (c) ۵۴(۱) اساسنامه است که دادستان را موظف می‌کند حقوق کلیه اشخاص حقیقی را بر اساس اساسنامه تأمین کند.<sup>۱</sup> یکی از این اشخاص مد نظر ماده (c) ۵۴(۱) اساسنامه، شخص متهم است که در جلسه بدون حضور وی قرار است راجع به دلایل مورد نیاز وی تصمیم‌گیری شود.

با این وجود محتویات اساسنامه و قواعد آیین دادرسی یک سیستم تفصیلی برای افشاء دلایل به متهم یا وکیل مدافع وی طراحی کرده است. از یک طرف دادستان با تعهدات وسیعی در زمینه افشاء دلیل مواجه است. (Ambos, 2009: 547) از طرف دیگر این قوانین به دیوان اختیارات تفتیشی وسیعی می‌دهد تا به موجب آن در موارد مشکوک آخرین تصمیم را اتخاذ نماید. (Kuschnik, 2009: 157) لیکن این وضعیت تعارض میان وظیفه دادستان در رابطه با محرمانگی منبع اطلاعات با وظیفه افشای دلایل تبرئه کننده به وکیل مدافع را برطرف نمی‌کند. (Schabas, 2011: 817) ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه و قاعده (۱) ۸۲ آیین دادرسی، دادستان را از افشای اسناد و اطلاعاتی منع می‌کند که «تحت شرایط محرمانگی و فقط به منظور کسب دلایل جدید» به دست آورده است، مگر اینکه مخبرین به افشای دلایل رضایت داشته باشند. اعطای محرمانگی به قراردادهای موضوع ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه از خصوصیات است که زمینه را برای همکاری با دادستان در کشف جرائم فراهم می‌کند. از این رو دادرسی دیوان چاره‌ای ندارد جز اینکه که در انجام تحقیقات به طور محرمانه به منابع خارجی متکی شود. (De Vos, 2008: 1) دادستان بارها به این مساله اذعان کرده است. تحت این شرایط فعالان دولتی و سازمان‌های بین‌المللی از جمله؛ سازمان عفو بین‌المللی، دیده بان حقوق بشر و دیگر مخبرین حاضر به همکاری می‌شوند (Baylis, 2009: 121) و اطلاعات خود را در اختیار دادستان قرار می‌دهند، با این شرط که هویت آنها افشاء نشود و از آنها توضیح خواسته نشود که این دلایل را از کجا به دست آورده‌اند. از این رو، قراردادهای محرمانه به موجب ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه به آنها این اطمینان را می‌دهد که ارائه اطلاعات به دادستان، خطری را متوجه اصول حرفه‌ای یا امنیت پرسنل آنها نمی‌کند.<sup>۲</sup> از این رو استفاده از قراردادهای محرمانه تنها به منظور در اختیار گرفتن «دلایل جهت دهنده»<sup>۳</sup> از دلایلی که به استناد آنها می‌توان دلایل جدیدی را کشف کرد. با این حال اگر دادستان قصد داشته باشد که با توسل به این قراردادها به اثبات عناصر جرم پردازد، لازم است که رضایت مخبرین را جلب نماید. در این وضعیت روشن است که محدودیت‌های ماده ۵۴ اساسنامه برخلاف تعهد دادستان به افشای دلایل تبرئه کننده به متهم است. (Stuart, 2008: 409) متهم در مراحل مقدماتی رسیدگی به پرونده وی در دیوان کیفری، قطعاً چنین وضعیتی را که در آن دادستان به تعهداتش در رابطه با افشای

۱. ماده (c) ۵۴(۱) اساسنامه مقرر می‌دارد که: «... [دادستان باید] حقوق اشخاص را که ناشی از مقررات این اساسنامه است، محترم بشمارد...».

2. Prosecutor v. Lubanga, Hearing Transcript, Case No. ICC-01/04-1/06-T-52, 1 October 2007, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). Accessed on 13 July 2013, para. 69.

3. Lead Evidence.

دلایل تبرئه کننده با توسل بیش از اندازه به قراردادهای محرمانه در طول تحقیقات پای بند نیست را برای دیوان ترسیم کند. ولی سیاست دادستان در توسل به قراردادهای محرمانه با دولت‌ها و مخبرین در طول دوره تحقیقات چیزی جز جمع‌آوری و در اختیار گرفتن دلایل و اطلاعات نیست. صرفاً به دلیل وجود چنین قراردادهایی است که به باور دادستان نباید اطلاعات (ولو به نفع متهم) افشاء شوند. تحت این شرایط قاعده ۸۱(۳) آیین دادرسی به نفع تحقق سیاست‌های دادستان است که مقرر داشته است که «اگر اقدامات لازم برای حفظ محرمانگی اطلاعات صورت نگرفته باشد، به موجب مواد ۵۴، ۵۷، ۶۴، ۷۲ و ۹۳ اساسنامه این اطلاعات نباید افشاء شوند». قاعده ۸۱(۲) آیین دادرسی به دادستان اجازه می‌دهد که از دیوان درخواست نماید که جلسه‌ای غیرعلنی برگزار شود برای تصمیم‌گیری در رابطه به اینکه چه دلایلی برای آمادگی متهم در دفاع از خود باید به وی افشاء شود. دادستان ممکن است از دیوان بخواهد در جلسه غیرعلنی دلایل او را برای مستثنی شدن از افشای دلایل مورد بررسی قرار دهد، به خاطر اینکه ممکن است تحقیقات جریانی تحت تأثیر قرار گیرند، یا به هر دلیل دیگری این افشاء برخلاف منافع عمومی باشد. لیکن در چنین شرایطی بهترین وضعیت ممکن در راستای حمایت از متهم در قوانین دیوان در نظر گرفته شده است تا اینکه دلایل جمع‌آوری شده به موجب قراردادهای ناشی از ماده ۵۴ اساسنامه غیرقابل استماع باشند. اما باید دقت کرد که این مساله منجر به چالش‌های دیگری از جمله اطاله دادرسی برای دیوان در رسیدگی به پرونده نشود.

#### ۵- تأخیر در افشای دلایل به متهم در تعارض با فوری بودن دادرسی

اطاله دادرسی یکی از مشکلات دیوان است. دادرسی دیوان زمینه همکاری با متهم یا وکیل مدافع وی را ایجاد نمی‌کند تا به محتویات پرونده اشراف داشته باشند. این وضعیت باعث می‌شود که وکیل مدافع همیشه از شعبه رسیدگی کننده به پرونده تقاضای استمهال نماید تا برای کسب دلایل جدید و طرح آنها در دیوان فرصتی در اختیار داشته باشد. علاوه بر این قضات معمولاً به اندازه کافی در ایجاد زمینه همکاری میان طرفین دعوا فعال نیستند و معمولاً رسیدگی به پرونده را به دلیل عدم اشراف به پیشینه پرونده، خصوصاً عدم آگاهی از دلایل تبرئه کننده در آن به تأخیر می‌اندازند. از این حیث تأخیر در افشای دلایل از سوی دادستان به متهم یکی از دلایل اصلی طولانی شدن فرایند محاکمات در دیوان کیفری است.

قاعده ۸۴ آیین دادرسی تصریح می‌کند که مساله افشای دلایل از سوی دادستان و متهم یک فرایند مستمر است و واجد هیچ محدودیت زمانی نیست. ممکن است دادستان تحقیقات خود را تا بعد از جلسه تأیید اتهام ادامه دهد. در این شرایط لازم است که دادستان دلایل اخیراً کشف شده را نیز افشاء نماید. البته چنین رفتاری معمول نیست. چراکه افشاء مستمر دلایل ممکن است باعث اطاله دادرسی شود. در عین حال بهترین زمان برای تکمیل تحقیقات همان قبل از جلسه تأیید اتهام است. از آن جایی که حجم زیادی از دلایل تبرئه کننده قبل از جلسه تأیید اتهام افشاء می‌شود، ممکن است حجم زیادی از دلایل متهم کننده باقی بماند که دادستان قصد داشته باشد در جلسه محاکمه به آنها استناد نماید. برای

جلوگیری از اطالۀ دادرسی از دادستان انتظار می‌رود که خلاصه‌ای از این دلایل را از قبل، در اختیار افراد دخیل در پرونده قرار دهد و ضمن آن نحوه استناد به شهود یا دیگر دلایل و ارتباط آنها را با اتهامات تشریح کند. پس از جلسه تأیید اتهام ممکن است متهم به مدارک دادستانی در رابطه با موضوع پرونده دسترسی یابد، ولو آن دسته از مدارکی که مستقیماً به اتهامات وی مربوط نیست، ولی ممکن است در درک زمینه اتهام و همین طور تدارک برای دفاع به او کمک نماید.

در شرایط استثنائی دادستان ممکن است تقاضای تأخیر در افشاء کامل (مثلاً با ذکر هویت شهود) اظهارات شهود را نماید که ممکن است در معرض خطر قرار گیرند.<sup>۱</sup> با این وجود، افشای هویت قربانی یا شاهد باید قبل از محاکمه صورت گیرد که متهم فرصت کافی برای آمادگی دفاع از خود داشته باشد.<sup>۲</sup> دادستان باید در کلیه حوزه‌های افشاء به موجب قانون حداکثر تلاش خود را به عمل آورد، مخصوصاً اینکه افشاء با تأخیر می‌تواند منجر به احضار مجدد شهود در دیوان شود که این امر زحمت اضافی و تحمیل هزینه‌های مالی را برای دیوان دربرخواهد داشت.<sup>۳</sup> در چنین شرایطی، درخواست‌های مکرر دادستان در هر مرحله‌ای از دادرسی برای اخذ مجوز تمدید مهلت افشای دلایل از شعبه مربوطه، بر تسریع جلسات دادرسی منتهی به جلسه تأیید اتهام یا محاکمه تأثیر منفی می‌گذارد. گاهی اوقات نیز دادستان مجبور است نسبت به دلایلی که بعدها کشف کرده است<sup>۴</sup> یا دلایلی که به اشتباه افشاء نکرده است،<sup>۵</sup> اقداماتی فوری برای افشاء انجام دهد.

زمانی که دلایل افشاء نشوند یا اینکه با تأخیر افشاء شوند، دادرسی عادلانه محقق نمی‌شود و تنها گزینه دیوان در برخورد با این وضعیت، حذف این دسته از دلایل افشاء نشده یا با تأخیر افشاء شده از دلایل مثبت جرم است.<sup>۶</sup> البته این فرمول برای دلایل تبرئه کننده به نفع متهم کارایی ندارد. سرپیچی دادستان از این تکلیف در حالی است که بر اساس محتویات اساسنامه، آغاز تعهد دادستان به افشاء

1. Prosecutor v. Milutinovi et al., Decision on Prosecution's Motions for Protective Measures, Case No. IT-99-37-PT, 17 July 2003, Available at: [http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud\\_supplement/supp45-e/milutinovic.htm](http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp45-e/milutinovic.htm). accessed on 27 May 2013, para. 4.

2. Prosecutor v. Milošević, First Decision on Prosecution Motion for Protective Measures for Sensitive Source Witnesses, Case No. IT-02-54-T, 3 May 2002, Available at: [http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud\\_supplement/supp50-e/milosevic.htm](http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp50-e/milosevic.htm). accessed on 5 June 2013, para. 3.

3. Prosecutor v. Ori, Decision on Defence Motion to Recall a Witness, Case No. IT-3-68-T, 30 November 2004, Available at: [www.icty.org/x/cases/oric/tdec/en/051213.htm](http://www.icty.org/x/cases/oric/tdec/en/051213.htm). accessed on 12 August 2013, para. 3.

4. Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui, Decision on the Prosecutor's Request for Late Disclosure of Exculpatory Evidence Witness P-387, Case No. ICC-01/04-01/07-1423, 25 August 2009, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 12 August 2013.

5. Prosecutor v. Lubanga, Decision on Prosecution's Requests to Add Items to the Evidence to be Relied on at Trial Filed on 21 April and 8 May 2008, Case No. ICC-01/04-01/06-1377, 4 June 2008, Available at [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 13 July 2013, para. 4.

6. Prosecutor v. Sesay et. al., Ruling on Oral Application for the Exclusion of Part of the Testimony of Witness TF1-199, Case No. SCSL-04-15-T, 26 July 2004, Available at: [https://www.unodc.org/tldb/pdf/International\\_Jurisprudence/Adhoc\\_Tribunals/SCSL\\_Sesay\\_Kallon\\_Gbao\\_Appeal\\_Judgement.pdf](https://www.unodc.org/tldb/pdf/International_Jurisprudence/Adhoc_Tribunals/SCSL_Sesay_Kallon_Gbao_Appeal_Judgement.pdf). accessed on 12 May 2013, para. 7.

دلایل از لحظه‌ای است که متهم بازداشت شده است. در بیشتر موارد تأخیر در افشای دلیل عمدتاً به دو دلیل رخ می‌دهد:

الف) دلیل اول اینکه تأخیرهای عمده ناشی از امتناع دادستان از افشای دلایلی می‌باشد که به موجب قراردادهای محرمانه موضوع ماده (e)(۳) ۵۴ اساسنامه در اختیار دادستان قرار گرفته است. چراکه دادستان به موجب این قراردادها در هیچ مرحله‌ای از دادرسی اجازه افشای اسناد و اطلاعاتی که به صورت محرمانه به منظور کسب دلیل جدید در اختیار وی قرار گرفته است را ندارد، مگر اینکه مخبرین به این موضوع رضایت داشته باشند. کسب رضایت مخبرین برای افشای دلایل محرمانه ممکن است مدت‌های زیادی از وقت دیوان را به خود اختصاص دهد و برای مدت قابل توجهی دادستان را از افشای این دلایل به متهم یا وکیل مدافع وی منع کند.

ب) دلیل دوم اینکه دادستان افشای دلایل را به خاطر وجود اطلاعات حساس از جمله هویت شهود و قربانیان آسیب‌پذیر و احتمال ممانعت از انجام تحقیقات بیشتر یا در حال انجام به تأخیر می‌اندازد تا زمانی که ریسک خطرپذیری نسبت به شهود تحت برنامه‌های حمایتی دیوان کیفری قرار گیرد و دیوان تقاضای دادستان را برای دخل و تصرف در اطلاعات محرمانه بپذیرد.<sup>۱</sup>

توجه به تأخیرهای ناشی از لزوم حمایت از اطلاعات، ناشی از این واقعیت است که دادستان نمی‌تواند دلایل دخل و تصرف نشده که هنوز تحت برنامه‌های حمایتی واحد حمایت از شهود و قربانیان دیوان قرار نگرفته‌اند را افشاء کند.<sup>۲</sup> این پروسه زمان‌بر است، همان‌طور که آراء دیوان آن را نشان می‌دهد: «دادستان بر اساس اعلام واحد حمایت از شهود و قربانیان، دو تا سه ماه فرصت دارد که شهود خود را برای برخورداری از برنامه‌های حمایتی به محل امن مُصرح در برنامه‌ها انتقال دهد. به طور منطقی این فرصت زمانی قابل افزایش خواهد بود که واحد حمایت از شهود و قربانیان دو درخواست در حال اجراء نزد دیوان داشته باشد. در نتیجه دادستان در زمان بررسی پرونده، تقاضای جابجایی شهود را انجام می‌دهد... بررسی و اجرای تقاضای دادستان برای جابجایی شهود از سوی دبیرخانه ممکن است حداقل ۵ تا ۶ ماه طول بکشد».<sup>۳</sup>

ضمن اینکه دادستان ممکن است این کار را در هر پرونده در دست بررسی دیوان کیفری همزمان برای چند نفر از شهود مورد تأیید برنامه‌های حمایتی انجام دهد.<sup>۴</sup> این رویکرد به این معناست که حجم

1. Prosecutor v. Lubanga, Decision on the Final System of Disclosure and the Establishment of a Timetable, Case No. ICC-01/04-01/06-102, Annex 1, 15 May 2006, Available at [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 13 July 2013, para. 101.

2. Prosecutor v. Lubanga, Decision on the Postponement of the Confirmation Hearing and the Adjustment of the Timetable Set in the Decision on the Final System of Disclosure, Case No. ICC-01/04-01/06-126, 24 May 2006, Available at [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 13 July 2013, para. 4.

3. Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui, Corrigendum to the Decision on Evidentiary Scope of the Confirmation Hearing, Preventive Relocation and Disclosure under Article 67(2) of the Statute and Rule 77 of the Rules, Case No. ICC-01/04-01/07-428-Corr, 25 April 2008, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 12 August 2013, paras. 61-62.

4. Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui, Status Conference, Case No. ICC-01/04-

زیادی از دلایل باید منتظر تصمیم گیری واحد حمایت از شهود و قربانیان برای به اجراء گذاشتن تقاضای جابجایی شهود بمانند. تأخیر در افشاء ناشی از این واقعیت نیز هست که دادستان ممکن است از دیوان تقاضای صدور مجوز لازم برای دخل و تصرف در اطلاعات مربوط به نام و دیگر مشخصات هویتی شهود و قربانیان آسیب پذیر نماید که مورد قبول برنامه‌های حمایتی قرار نگرفته‌اند. همان طور که طیف گسترده‌ای از دلایل دیگر از جمله دلایل مربوط به انسان‌هایی که دادستان به آنها دسترسی ندارد و با این وجود نباید اطلاعات آنها در خلال اظهارات شهود یا دلایل دیگر افشاء گردد. واضح است که دلایل دربرگیرنده چنین اطلاعاتی نمی‌تواند افشاء شوند، مگر اینکه تصمیم دیوان در این رابطه برای دخل و تصرف اعلام شود که این فرایند خود نیز ممکن است هفته‌ها به طول انجامد.<sup>۱</sup> بنابراین تقاضای خارج از موعد چه در زمینه برخورداری شهود از برنامه‌های حمایتی و چه درخواست صدور مجوز دخل و تصرف از دیوان ممکن است باعث شود که دادستان نتواند در مهلت مقرر به افشای دلایل پردازد و باعث شود که شروع جلسه تأیید اتهام یا محاکمه به تأخیر بیفتد.

#### ۶- نتیجه

دست آوردهای آموزه‌های حقوق بشری مُنتج به محاکمه عادلانه شده است. در این فرایند، حاکمیت قانون تجلی گاه رعایت معیارهای دادرسی عادلانه است که به متهم اجازه می‌دهد با برخورداری از فرصت و امکانات کافی به دفاع از اتهامات خویش پردازد. یکی از این ابعاد، افشاء دلایل در اختیار دادستان به متهم است. ماده (a)(۱) ۵۴ اساسنامه از دادستان می‌خواهد که دلایل که علیه متهم را به طور یکسان جمع‌آوری نماید. دادستان لازم است که نتیجه تحقیقات و دلایل حاصل را بر اساس تعهد به افشاء دلایل در اختیار متهم یا وکیل مدافع وی قرار دهد. از یک طرف دادستان به موجب ماده (۲) ۶۷ اساسنامه مکلف است کلیه دلایل در اختیار یا کنترل خود را که از منظر وی مُبین بی‌گناهی متهم یا تخفیف در مجرمیت یا مؤثر در بی‌اعتباری دیگر دلایل وی می‌باشد را به متهم یا وکیل مدافع وی افشاء کند. این وضعیت که حاکی از برابری سلاح‌ها میان متهم و دادستان است، موضع ضعیف متهم را در مقابل دادستان تا حد زیادی ارتقاء می‌بخشد. این رویکرد منجر به فراهم کردن امکانات و فرصت کافی مورد نیاز متهم برای دفاع از خود است که نویدبخش محاکمه عادلانه است. اما در بسیاری از موارد دادستان از انجام این وظیفه شانه خالی می‌کند. دادستان صرفاً به افشاء دلایل علیه متهم اکتفاء می‌کند. این رفتار دادستان باعث می‌شود که مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در حق متهم مخدوش شود. در چنین وضعیتی نقش شعب مقدماتی و محاکمه دیوان کیفری در کنترل فرایند افشای دلایل اهمیت پیدا می‌کند. با این وجود مسئولیت شناسایی دلایل تبرئه کننده در مرحله اول

01/07-T-52-ENG, 27 November 2008, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). Accessed on 12 August 2013, para. 70.

1. Prosecutor v. Lubanga, Second Decision on the Prosecution Requests and Amended Requests for Redactions under Rule 81, Case No. ICC-01/04-01/06-455, 20 September 2006, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). Accessed on 13 July 2013.

برعهده دادستان است و دیوان کیفری در این مرحله دخالتی ندارد، مگر اینکه دادستان در تعیین دلایل تبرئه کننده با تردید مواجه شود. دادستان در چنین وضعیتی به موجب قاعده ۸۳ آیین دادرسی می‌تواند درخواست تشکیل جلسه بدون حضور متهم را بنماید تا اینکه شعبه رسیدگی کننده نسبت به افشای احتمالی دلایل در اختیار دادستان تصمیم بگیرد.

از طرف دیگر متهم اجازه دارد بر اساس قاعده ۷۷ آیین دادرسی به بررسی هر کتاب، سند یا عکس و سایر مواد ملموس در تصرف یا کنترل دادستان یا از متهم به دست آمده یا متعلق به وی پردازد. لیکن این مجوز پس از رعایت محدودیت‌های افشای مقرر در اساسنامه و قواعد ۸۱ و ۸۲ آیین دادرسی است. یکی از محدودیت‌های اصلی در این زمینه مقررات ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه است که در قاعده ۸۲ آیین دادرسی باز تاکید شده است. قاعده ۸۱ آیین دادرسی نیز محدودیت دیگری در این زمینه است که به ممنوعیت افشای دلایلی می‌پردازد که موجب خلل در پیشبرد یا روند تحقیقات است که تشخیص این وضعیت با دیوان است. علاوه بر این دادستان مکلف است به موجب قاعده ۸۲(۲) آیین دادرسی که به ماده ۵۴ اساسنامه ارجاع داده است در افشای دلایل به متهم، مراعات مخفی نگه داشتن هویت شهود، قربانیان و مخبرین را بنماید. این وضعیت باعث می‌شود که متهم از چگونگی انجام تحقیقات مطلع نشود و به تبع آن نتواند از اعمال قانون شکنی‌ها و کاستی‌های صورت گرفته در جمع‌آوری دلایل و افشای آنها به وی پرده بردارد. لیکن واقعیت این است اگر دادستان در انجام تحقیقاتش در طول مخاصمات در حال وقوع نمی‌تواند از به خطر افتادن امنیت شهود و قربانیان جلوگیری کند، این به منزله آن است که تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای محاکمه عوامل جنایات به اندازه کافی مثمرتر نیست. قاعده ۸۲(۱) آیین دادرسی در عین حال که به ممنوعیت افشای دلایل محرمانه جمع‌آوری شده به موجب ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه اشاره می‌کند، قید دیگری به آن می‌افزاید مبنی بر اینکه دادستان حق استناد به این دلایل را در جلسات تأیید اتهامات و محاکمه متهم را از دست می‌دهد، در صورتی که قبلاً آنها را به متهم یا وکیل مدافع وی افشای نکرده باشد.

در اولین تجربه دیوان روشن شد که دادستان تعهد به افشای دلایل تبرئه کننده به متهم را از تکالیف خود نمی‌داند. دادستان با توسل به ماده (e) ۵۴(۳) اساسنامه به خود اجازه داده است که به راحتی متهم و دیوان را از اطلاعاتی محروم نماید که این اطلاعات در رابطه با پاسخ این سؤالات است که این دلایل چگونه به دست آمده‌اند؟ و این دلایل شامل چه اخباری هستند؟ تا اینکه متهم در مقابل بتواند از خود دفاع کند و دلایل متناسبی را در نفی این دلایل ارائه نماید. لذا در چنین شرایطی قضات نباید اجازه دهند که سیاست توسل به دلایل مخفی در رویه قضایی دیوان جریان یابد، چرا که جامعه بین‌المللی توقع ندارد که محاکمه فردی را شاهد باشد که در حق او مؤلفه‌های دادرسی عادلانه رعایت نشده است. عدم رعایت مؤلفه‌های دادرسی نقض غرض است. تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی با رعایت معیارهای قانونی، لازمه برخورد با رفتارهای غیرقانونی است. اگر قرار باشد که دیوان کیفری نیز در مبارزه با رفتارهای غیرقانونی، متوسل به ابزارهای غیرقانونی شود، آیا می‌توان ادعا کرد که عدالت کیفری محقق شده است. آیا می‌توان ادعا کرد که با ابزار بی قانونی، رفتارهای مجرمانه متهم به خوبی پاسخ داده شده

است و جامعه بین‌المللی دیگر نباید نگران وقوع جرائم ادعایی متهم و امثال وی در آینده باشد. غالب شدن این محدودیت‌ها و درگیر شدن دیوان کیفری در آن می‌تواند زمینه اطلاع دادرسی را فراهم کند. اطلاع دادرسی در چنین شرایط محصول عدم همکاری دادستان با دیوان کیفری در انجام تکالیف قانونی خود است. دادستان به بهانه اعمال تکلیف حمایت از شهود و قربانیان و حفظ محرمانگی دلایل از اجرای دیگر تکلیف خود یعنی افشاء دلایل به متهم شانه خالی می‌کند. مسئولیت حمایت از قربانیان و شهود در مرحله اول از وظایف اصلی شعبه رسیدگی کننده به اتهامات است. تکلیف دادستان فرع بر وظیفه شعبه رسیدگی کننده در این مساله است. ضمن اینکه دادستان نباید به استناد ماده ۵۴ اساسنامه قراردادهایی را تنظیم کند که اجرای تکالیف قانونی وی را با مانع مواجه کند.



## منابع

### الف) فارسی

#### کتاب‌ها

- کاشانی، محمود، (۱۳۸۳)، *استانداردهای جهانی دادگستری*، چاپ ۱، تهران: میزان.
- فضائلی، مصطفی، (۱۳۸۷)، *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*، چاپ ۱، تهران: شهردانش.
- محمدنسل، غلامرضا، (۱۳۹۱)، *مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری*، چاپ ۲، تهران: دادگستر.

#### مقاله‌ها و پایان‌نامه

- آشوری، محمد، (۱۳۷۸)، «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، شماره ۳.
- بابایی، محمدعلی و افراسیابی، علی، (۱۳۸۹)، «حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی»، *آموزه‌های حقوقی*، شماره ۱۲.
- رضوی‌فرد، بهزاد و فقیه محمدی، حسن، (۱۳۹۰)، «تکامل حقوق بزه دیده‌گان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله حقوق بین‌المللی؛ نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری*، شماره ۴۵.
- ساقیان، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۶-۵۷.
- صالحی، جواد و صمدی، محمد، (۱۳۸۷)، «تعارض ادله کیفری از منظر دادرسی عادلانه»، *تعالی حقوق*، شماره ۲۸-۲۷.
- صالحی، جواد و زیدآبادی، رضا، (۱۳۹۲)، «حق آگاهی متهم؛ جلوه‌ای از دادرسی عادلانه»، در *مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها (بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری)*، چاپ ۱، تهران: میزان.
- فقیه محمدی، حسن، (۱۳۹۰)، «جایگاه بزه‌دیدگان و شهود در اسناد و رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکزی*.
- والین، لوک، (۱۳۸۵)، «فریبانیان و شهود در حقوق بین‌الملل از حق حمایت تا حق بیان»، *مترجم: توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری*، *مجله حقوق بین‌المللی؛ نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری*، شماره ۳۴.

(ب) انگلیسی

**Books**

- Calvo-Goller, K. N. (2006), *The Trial Proceedings of the International Criminal Court*. ICTY and ICTR Precedents, Martinus Nijhoff.
- May, R. and M. Wierda (2002), *International Criminal Evidence*, Transnational Publishers, Ardsley, New York.
- Nowak, Manfred, (1993), *U.N. Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary*, Kehl am Rhein, Strasbourg; Arlington.
- Schabas, William A. (2011), *An Introduction to the International Criminal Court*, Cambridge University Press.

**Articles**

- Ambos, K. & Miller, Dennis, (2007), "Structure and Function of the Confirmation Procedure before the ICC from a Comparative Perspective", *International Criminal Law Review*, Vol. 7, No. 2-3.
- Ambos, K. (2009), "Confidential Investigations (Article 54(3) (E) ICC Statute) vs. Disclosure Obligations: the Lubanga Case and National Law", *New Criminal Law Review*, Vol. 12, No. 4.
- Arsajani, Mahnoush. H. & W. Michael Reisman, (2005), "The Law in Action of International Criminal Court", *American Journal of International Law*, Vol. 99.
- Baylis, Elena A. (2009), "Outsourcing Investigations", *UCLA Journal of International Law & Foreign Affairs*, Vol. 14.
- De Vos, Christian M. (2008), "Someone Who Comes between one Person and Another: Lubanga, Local Cooperation and the Right to a Fair Trial", *Melbourne Journal of International Law*, Vol. 12.
- Kuschnik, Bernard, (2009), "International Criminal Due Process in the Making: New Tendencies in the Law of Non-Disclosure in the Proceedings before the ICC", *International Criminal Law Review*, Vol. 9.
- Leigh, M. (1997), "Witness Anonymity Is Inconsistent with Due Process", *American Journal of International Law*, Vol. 3.
- Marchesiello, M. (2002), "Proceedings before the Pre-Trial Chamber", in: A. Cassese, P. Gaeta and J. R. W. D. Jones (eds.), *the Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, Oxford University Press, Vol. II.
- Miraglia, M. (2008), "Admissibility of Evidence, Standard of Proof, and Nature of the Decision in the ICC Confirmation of Charges in Lubanga", *Journal*

of International Criminal Justice, Vol. 6.

- Robinson, Darryl (2008), "The Identity Crisis of International Criminal Law", *Leiden Journal of International Law*, Vol. 21.

- Schabas, William. A. (2008A), "Prosecutorial Discretion v. Judicial Activism at the International Criminal Court", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 6.

- Schabas, William. A. (2008B), "Complementarity in Practice: Some Uncomplimentary Thoughts", *Criminal Law Forum*, Vol. 19.

- Stuart, H. V. (2008), "ICC in Trouble", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 6.

- Swoboda, Sabine, (2008), "The ICC Disclosure Regime: A Defence Perspective", *Criminal Law Forum*, Vol. 19.

- Turner, Jenia Iontcheva, (2008), "Defense Perspectives on Law & Politics in International Criminal Trials", *Virginia Journal of International Law*, Vol. 48.

- Weissbrodt, D., F. Pekinm and A. Wilson, (2006), "Piercing the Confidentiality Veil: Physician Testimony in International Criminal Trials against Perpetrators of Torture", *Minnesota Journal of International Law*, Vol. 15.

#### Cases

- Prosecutor v. Bagosora et al., Decision on Interlocutory Appeals of Decision on Witness Protection Orders, Case No. ICTR-98-41-AR73(B), 6 October, 2005, Available at:

<http://www2.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB452/docs/doc23.pdf>. accessed on 10 Feb. 2013.

- Prosecutor v. Blaški , Judgement, Case No. IT-95-14-A, 29 July 2004, Available at: [www.icty.org/case/blaskic/4](http://www.icty.org/case/blaskic/4). accessed on 12 August 2013.

- Prosecutor v. Brima et al., Decision on Joint Defence Motion on Disclosure of all Original Witness Statements, Interview Notes and Investigators' Notes Pursuant to Rules 66 and/ or 68, Case No. SCSL-04-16-T, 4 May 2005, Available at: [http://www1.umn.edu/humanrts/instree/SCSL/SCSL-04-16\\_Files/SCSL-04-16-T-483.htm](http://www1.umn.edu/humanrts/instree/SCSL/SCSL-04-16_Files/SCSL-04-16-T-483.htm). accessed on 29 May 2013.

- Prosecutor v. Furundžija, Scheduling Order, Case No. IT-95-17/1-PT, 29 April 1998, Available at: <http://www.icty.org/case/furundzija/4>. accessed on 22 August 2013.

- Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui, Corrigendum to the Decision on Evidentiary Scope of the Confirmation Hearing, Preventive Relocation and Disclosure under Article 67(2) of the Statute and Rule 77 of the Rules, Case No.

ICC-01/04-01/07-428-Corr, 25 April 2008, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 12 August 2013.

- Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui, Status Conference, Case No. ICC-01/04-01/07-T-52-ENG, 27 November 2008, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 12 August 2013.

- Prosecutor v. Katanga, First Decision on the Prosecution Request for Authorisation to Redact Witness Statements, Case No. ICC-01/04-01/07-90, 7 December, 2007, Available at: <http://www.iclklamberg.com/Caselaw/DRC/Katanga/Appeals/ICC-01-04-01-07-475-ENG.pdf>. Accessed on 11 July 2014.

- Prosecutor v. Katanga, Judgment on the appeal of the Prosecutor against the decision of Pre-Trial Chamber I entitled “First Decision on the Prosecution Request for Authorisation to Redact Witness Statements”, Case No. ICC-04/01-01/07-475, 13 May, 2008, Available at: <http://www.iclklamberg.com/Caselaw/DRC/Katanga/Appeals/ICC-01-04-01-07-475-ENG.pdf>. accessed on 24 July 2014.

- Prosecutor v. Katanga, Judgment on the appeal of Mr. Katanga against the decision of Pre-Trial Chamber I entitled, “First Decision on the Prosecution Request for Authorisation to Redact Witness Statements”, Case No. ICC-04/01-01/07-476, 13 May 2008. Available at: [http://www.worldcourts.com/icc/eng/decisions/2008.05.13\\_Prosecutor\\_v\\_Katanga3.pdf](http://www.worldcourts.com/icc/eng/decisions/2008.05.13_Prosecutor_v_Katanga3.pdf). Accessed on 25 July 2014.

- Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo Chui, Decision on the Prosecutor’s Request for Late Disclosure of Exculpatory Evidence Witness P-387, Case No. ICC-01/04-01/07-1423, 25 August 2009, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 12 August 2013.

- Prosecutor v. Krsti , Judgement, Case No. IT-98-33-A, 19 April 2004, Available at <http://www.icty.org/x/cases/krstic/acjug/en/krs-aj040419e.pdf> accessed on 13 July 2013.

- Prosecutor v. Kordi and erkez, Decision on Motions to Extend Time for Filing Appellant’s Briefs, Case No. IT-95-14/2-A, 11 May 2001, Available at: [www.icty.org/x/cases/kordic/acdec/en/040211.htm](http://www.icty.org/x/cases/kordic/acdec/en/040211.htm). accessed on 12 August 2013.

- Prosecutor v. Lubanga, Decision on Prosecution’s Requests to Add Items to the Evidence to be Relied on at Trial Filed on 21 April and 8 May 2008, Case No. ICC-01/04-01/06-1377, 4 June 2008, Available at [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 13 July 2013.

- Prosecutor v. Lubanga, Second Decision on the Prosecution Requests and Amended Requests for Redactions under Rule 81, Case No. ICC-01/04-01/06-455, 20 September 2006, Available, at: <http://www.icc->

[cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). Accessed on 13 July 2013.

- Prosecutor v. Lubanga, Decision on the Final System of Disclosure and the Establishment of a Timetable, Case No. ICC-01/04-01/06-102, Annex 1, 15 May 2006, Available at [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 13 July 2013.

- Prosecutor v. Lubanga, Decision on the Postponement of the Confirmation Hearing and the Adjustment of the Timetable Set in the Decision on the Final System of Disclosure, Case No. ICC-01/04-01/06-126, 24 May 2006, Available at [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). accessed on 13 July 2013.

- Prosecutor v. Lubanga, Decision Regarding the Timing and Manner of Disclosure and the Date of Trial, Case No. ICC-01/04-1/06-1019, 9 November 2007, Available at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc511249.PDF>., accessed on 14 June 2014.

- Prosecutor v. Lubanga, Prosecution Submission of Information on the 29 February 2008 Disclosure of Incriminatory Evidence and Request for Protection, Case No. ICC-01/04-1/06-1212, 7 March 2008, Available at: [http://www1.umn.edu/humanrts/instree/ICC/Stay\\_the\\_Proceedings.html](http://www1.umn.edu/humanrts/instree/ICC/Stay_the_Proceedings.html). Accessed on 17 June 2014.

- Prosecutor v. Lubanga, Hearing Transcript, Case No. ICC-01/04-1/06-T-75, 13 February, 2008, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200104/related%20cases/icc%200104%200106/transcripts/trial%20chamber%20i/Pages/icc%2001%2004%2001%2006%20t%2075%20eng%20et%20wt%2013%2002%202008%201%2049%20nb%20t.aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/situation%20icc%200104/related%20cases/icc%200104%200106/transcripts/trial%20chamber%20i/Pages/icc%2001%2004%2001%2006%20t%2075%20eng%20et%20wt%2013%2002%202008%201%2049%20nb%20t.aspx). Accessed on 29 July 2014.

- Prosecutor v. Lubanga, Decision on the Final System of Disclosure and the Establishment of a timetable, Case No. ICC-01/04-01/06-102 Annex I, 15 May 2006, Available at: [http://www.iclklamberg.com/Caselaw/DRC/Dyilo/PTCI/ICC-01-04-01-06-407\\_English.pdf](http://www.iclklamberg.com/Caselaw/DRC/Dyilo/PTCI/ICC-01-04-01-06-407_English.pdf). Accessed on 19 July 2014.

- Prosecutor v. Lubanga, Decision on the Final System of Disclosure and the Establishment of a Timetable, No. ICC-01/04-1/06-102, 15 May 2006, Available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations%20and%20cases/cases/Pages/cases%20index.aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/cases/Pages/cases%20index.aspx). Accessed on 13 July 2013.

- Prosecutor v. Lubanga, Decision Establishing General Principles Governing Applications to Restrict Disclosure pursuant to Rule 81(2) and (4) of the Statute, Case No. ICC-01/04-1/06-108, 19 May 2006, Available at: [www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc192159.PDF](http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc192159.PDF). accessed on 23 July 2014.

- Prosecutor v. Lubanga, Hearing Transcript, Case No. ICC-01/04-1/06-T-52, 1 October, 2007, Available at [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations/aspx](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations/aspx). Accessed on 13 July 2013.

- Prosecutor v. Milošević, First Decision on Prosecution Motion for Protective Measures for Sensitive Source Witnesses, Case No. IT-02-54-T, 3 May, 2002, Available at:

[http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud\\_supplement/supp50-e/milosevic.htm](http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp50-e/milosevic.htm). accessed on 5 June 2013.

- Prosecutor v. Milutinović et al., Decision on Prosecution's Motions for Protective Measures, Case No. IT-99-37-PT, 17 July 2003, Available at:

[http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud\\_supplement/supp45-e/milutinovic.htm](http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/jud_supplement/supp45-e/milutinovic.htm). accessed on 27 May 2013.

- Prosecutor v. Norman et al., Decision on Disclosure of Witness Statements and Cross-Examination, Case No. IT- 98-33-A, 16 July 2004, Available at:

<http://www.commonlii.org/sl/cases/SCSL/2004/115.html>. accessed on 2 August 2013.

- Prosecutor v. Orić, Decision on Defence Motion to Recall a Witness, Case No. IT-3-68-T, 30 November, 2004, Available at:

[www.icty.org/x/cases/oric/tdec/en/051213.htm](http://www.icty.org/x/cases/oric/tdec/en/051213.htm). accessed on 12 August 2013.

- Prosecutor v. Sesay et. al., Ruling on Oral Application for the Exclusion of Part of the Testimony of Witness TF1-199, Case No. SCSL-04-15-T, 26 July 2004, Available at:

[https://www.unodc.org/tldb/pdf/International\\_Jurisprudence/Adhoc\\_Tribunals/SCSL\\_Sesay\\_Kallon\\_Gbao\\_Appeal\\_Judgement.pdf](https://www.unodc.org/tldb/pdf/International_Jurisprudence/Adhoc_Tribunals/SCSL_Sesay_Kallon_Gbao_Appeal_Judgement.pdf). accessed on 12 May 2013.

- Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Available at:

[http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/Statute/statute\\_sept08\\_en.pdf](http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/Statute/statute_sept08_en.pdf). accessed on 10 July 2014.